



گاوها

افشین بابازاده

# گاوها

افشین بابازاده

نشر مداد

لندن اردیبهشت 1385

چاپ انتشارات پگاه لندن

### و در مورد گاوها

این گاوها از لابلای شعرهای شش - هفت سال گذشته سر درآورده اند. خوب، چرا گاو و نه کفتار و یا کبک و خروس. سرآغازش ماجرای ساختمانی بود که سر ستونهایش را با سر گاو تزیین کرده بودند و از قرار بدستور شهرداری شهر یا امام جمعه این سرها به پایین کشیده می شوند. گاو تا مدتها بخشی از مشغله ذهنی من بود. به او فکر می کردم و در اوایل این درگیری یادداشتهایی برای گاو صورت بردای شد. اگر چه تعداد این گاوها بیشتر بودند اما گله ای از آنها را روانه کردم به حال خودشان تا آنکه آگاهانه تر این دسته را به بهانه حرفهایی در این دفتر گرد آوردم.

گاوها

گاو

گاو زیر باران چه می خواهد

گاو می خواهد پارس بکند

گاو می خواهد جیک جیک بکند

گاو از گاوی خود خسته شده



گاو

گاو بلیط می خرد  
سوار هواپیما  
در سرزمین خود پیاده می شود  
یواشکی  
دور از ریش نامرطب قوانین  
عرق خانگی می خرد  
برای ویسکی چانه می زند  
و سپس در چهار دیواریها  
دور از گاوهایی  
با گاوهایی  
مستانه می چرد

# گاوھا

---



گاو

گاو هیچوقت ماهی را ندیده  
حتی گاوی که میلیونها سال چریده  
حتی گاوی که افراتی و  
یک دنده می چرد  
حتی گاوی در لباس آرتش  
در لباس پرتاریا  
حتی گاوی که برجسبی به او نمی خورد  
و یا گاوی که برای یک چنگک علف  
رفیقهایش را لومی دهد



گاو

گاو بروی دشتهای پهناور میچرد

گاو

با تنفر سنبلها را می جود

گاو

دم تکان می دهد

رنگهای آسمان

با تاپاله های ابر

از روی سر گاو می گذرد

# گاوھا

---



گاو

برای گاو

جمعه معنی ندارد

جمعه وجود ندارد

گاو

شش روز هفته را می چرد

روز هفتم

از صفحه هفتم

به چریدن در آسمان هفتم می رسد



گاو

گاو‌هایی

منطقی هستند

همیشه به زمین نگاه می‌کنند

همیشه سوال می‌کنند:

آیا مرتعی سبز و خوش آب و هوا می‌شناسی؟

گاوهای منطقی

از کنار:

نقاشی

داستان

شعر

براحتی می‌گذرند.

گاوها منطقی

از کنار:

وزن

قافیه

ردیف

به علف خیره می شوند

# گاوہا

---



گاو

گاو همیشه خسته می شود

از خوردن

خوابیدن

دیدن

خواندن

فکر کردن

از چریدن ناتمام

# گاوھا

---



گاو

گاو برای تولدش

کت چرمی نمی خواهد

کفش چرمی نمی پوشد

بند ساعت چرمی نمی بندد

پارسال

روز عید قربان

تمام هدیه های چرمی اش را به بره ها داد

# گاوہا

---



گاو

گاو ساده ای

برای شعر تمام اوزان عروضی را چرید

از قدما حامله شد

دیوانها نوشت

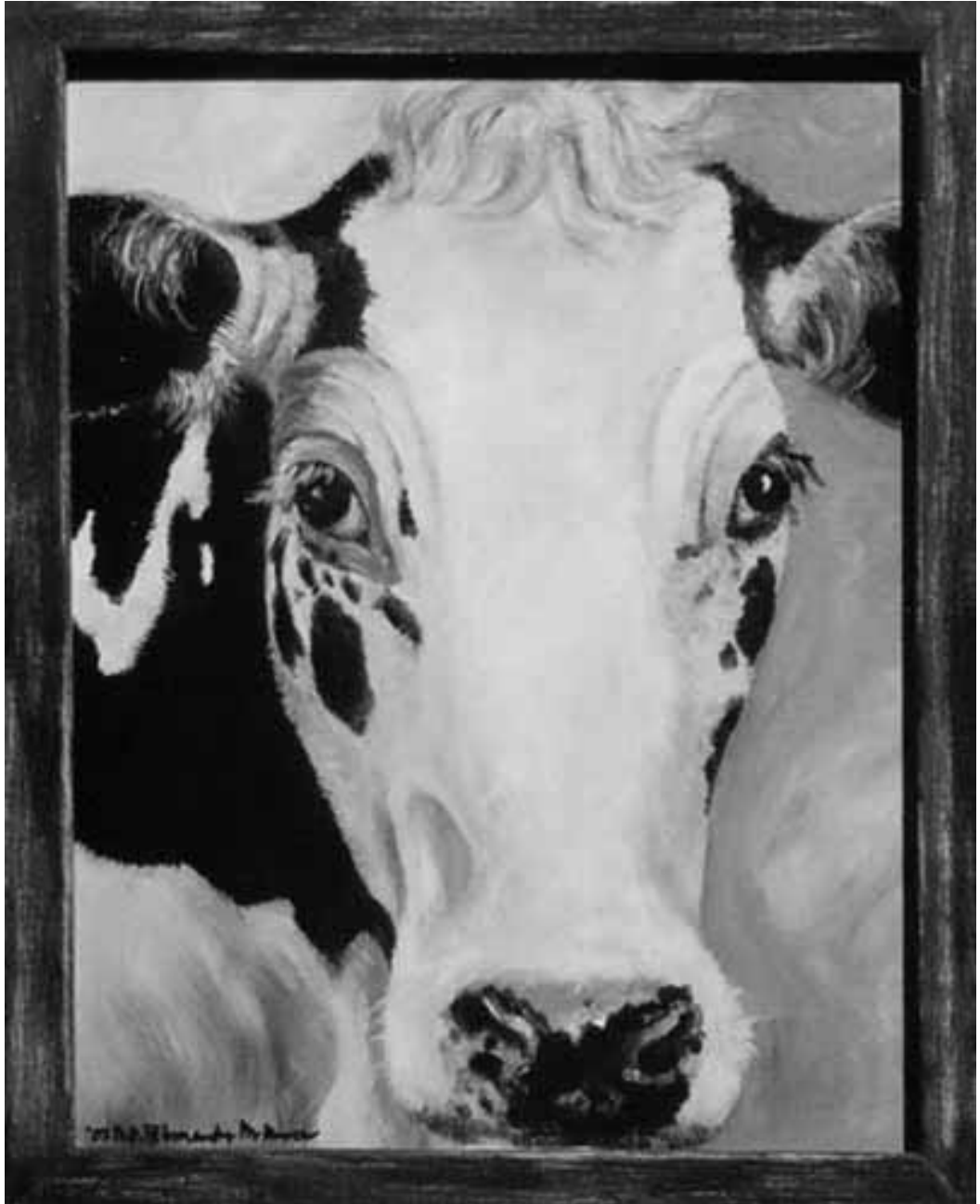
دیوانها تصحیح کرد

گاو ساده

به فروغ فرخزاد رشک می ورزد

# گاوہا

---

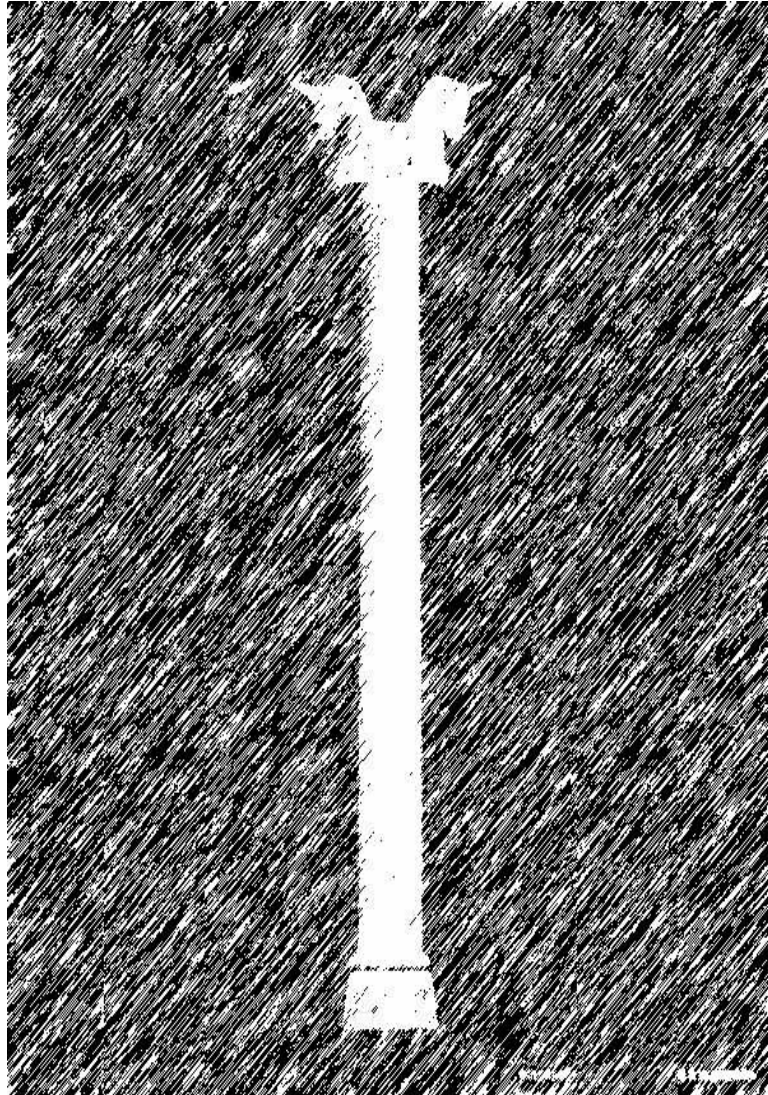


گاو

وقتی عربها آمدند  
گاو از سر ستونها نگاه می کرد

گاو از صدای ناهنجار زبانشان  
وحشت زده  
بروی زمین افتاد

عربها  
فرمان خوردنش را دادند



گاو

گاو پس از رسیدن به سن قانونی  
صندوق را بو کرد  
آنقدر گرسنه بود  
که کارتهای انتخاباتی را خورد  
چند وقتی ست  
با حبس تعلیقی آزاد شده  
و برای روزنامه ها قلم می زند

# گاوھا

---



گاو

گاو رمان نویس  
چند کیلویی نوشت  
چند منی علف مرغوب مکروه جوید  
چند سالی در مزرعه نیمه دولتی چرید  
و چند سالی است در خارج از ایران  
با لوجه  
ما  
ما  
می کند  
و تاپاله تاپاله مصاحبه

گاوها

---



گاو

گاو با لباس سیاه از روی تپه پایین آمد

چند گاو سیاه پوش همرايش بودند

آرام و

گام پشت گام

با چشمانی درشت و

غمگین

به ننه حسن نگاه کردند

گاوها ما ما ما کردند:

حسنک را گشتند

ننه حسنک

پوست خربزه و

گاوها

---

خیار

ریخت جلویشان

ننه حسنگ

جیغ کشید

ح.....

.....س.....

نک.....



گاوها

---

گاو

گاو تاریخی داشت

با تمدنی بزرگ

شکوهمند

در معبد هایش عبادت می کرد

در قصر هایش فرمان جنگ و دوستی می داد

دوازده ماه سال را جشن می گرفت

هزار سالی است

گاو مانده با جشنهای ساده

هر روز

با دیگر گاوها

در چمنزاری

سیزده را در می کند

# گاوہا

---



گاو

گاو چند صفحه ای روزنامه جوید  
خوشش آمد  
گاو مدتی است  
روزنامه های توقیف شده را می جود  
گاو مدتی است  
قهرمان ملی شده

# گاوھا

---

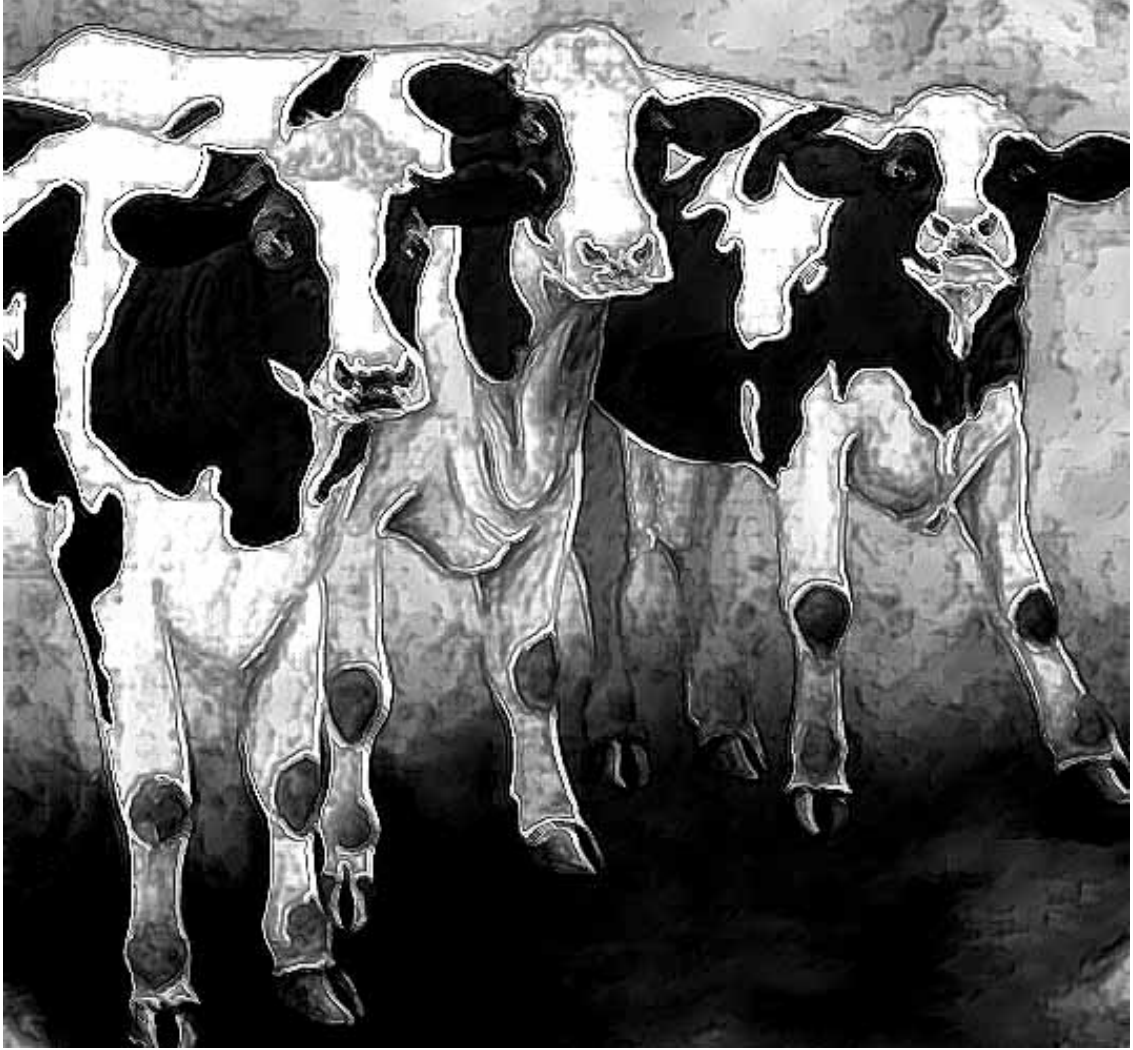


گاو

مردم به گاو رای دادند  
گاو ما ما ما می کند  
گاو از آزادی می گوید  
گاو مردم را به اندازه علف دوست دارد  
آه گاویا!  
مردم با این گاوها چه می کنند  
مردم که گاوباز نیستند

# گاوہا

---



گاو

گاو می خواهد  
شما را در دادگاه لاجه ببیند  
شما را پای میز محاکمه ببیند  
گاو یک سوال دارد  
چگونه مرا کباب کردید و خوردید  
حالا ادعای سبزی خواری می کنید

# گاوھا

---



گاو

گاو

از سر سادگی شما را ندید

گاو از سر سادگی تسلیم مرگ شد

گاویا

گاو را حلال کردند

کار از کار گذشته

ما ما ما ما

# گاوہا

---



گاو

گاو با موسیقی سنتی ما ما کرد

آنقدر خواند : ما مو ما مو

تا استاد شد

گاوها بدور او گرد آمدند

در گوشه های اصفهان و غیره خواندند

علف خوردند

چریدند

گاو سنتی سی جی دی فرهنگی دارد

گاو سنتی از فرهاد و

فریدون فروغی بیزار است

# گاوہا

---



گاو

گاو

خسته و

بی حساب می چرد

چون اپوزوسیون

که در آسمانها غوغا میکند

شوق چریدنش را کسی نمی فهمد

از پستانش شیر نمی آید

م..... م..... م

گاو از سردر قصابی ها می ترسد

# گاوہا

---



گاو

گاو از کاندید های ریاست جمهوری وحشت

می کند

گوشه ی طویله علفش را می خورد

گاو ما ما می کند:

درود بر هرج و مرج علفزار

درود بر هرج و مرج طویله و چریدن

مرگ بر جمهوری و

انتخابات

ما ما

گاویا از این ها بحراسید

پوست رفیقم کفش و کلاه شد

به گوسپندان بگویید

قربانی نشوید

# گاوھا

---



گاو

گاو را با حرف هایی

بردند

او نمی فهمید چه خبر است

مردی با دشنه ای کنارش قدم می زد

سبیلی نا متعارف داشت

شعار میداد

پای دیواری بردندش

لخته های خون روی دیوار خشک شده بود

گاو را کنار دیوار سر بریدند



گاو

زمانه خر تو خر بود  
گاو با خرها حرفی نداشت  
گاو  
گاوی بود  
انقلاب شده بود  
گاو هم گاو بود  
چون گاوها  
می چرید  
مثل گاوها  
روزی  
از یکی از روزها  
از چنگک قصابی آویخته شد

نشر مداد

1375	افشین بابازاده	صبحانه در موقعیتی بهتر
1379	جواد مجابی	پوپکانه
1380	یداله رویایی	امضایی بر پشت
1385	افشین بابازاده	گاوها

بزودی منتشر می شود

1385	افشین بابازاده	بدنی ها
1385	افشین بابازاده	وقتی کنارت دراز می کشم